



# ترجمه‌های جلیلیه

سخن از ترجمه‌ای است که در سال ۱۳۷۰ از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه، و انتشارات نگار، به قلم نگارنده منتشر شد، با کاغذ گلاسه سنگین و تذهیبی ممتاز و تجلیدی فاخر و جعبه‌ای زیبا و در نتیجه بسیار گران برای خریدار عادی و دور از دسترس عامه. از همان آغاز، تصمیم بر این بوده است که چاپ ارزان قیمت این ترجمه نیز، متعاقباً منتشر شود. در آستانه چاپ دوم، خط متن قرآن کریم، ترتیب صفحه بندی، حروفچینی ترجمه و مسایل دیگر گرافیک تغییر می‌کرد. پس فرصتی پیش آمد تا ویرایش دقیق و آزادانه‌ای بار دیگر بر روی آن اعمال شود و این خود چیزی بود که در توضیح ضمیمه چاپ نخست، با آگاهی تمام پیش بینی شده بود و پاره‌ای شتابزدگیها را در ویرایش نخست که به علت نفاسات چاپ و حساسیت جریان امور در مراحل کار و زمان بندیها پیش آمده بود، توجیه می‌کرد. باری، دیدگاههای مترجم در این ترجمه و نکاتی که در ویرایش دوم مد نظر بوده است اینهاست:

۱. نثر این ترجمه: قرآن کریم متنی است جاودانه که کهنه نمی‌شود، نمی‌فرساید و فراز و نشیب تاریخ زبان تازی در آن تأثیر ندارد، بلکه این قرآن است که زبان عرب را از گزند دگرگونیها چه در تاریخ و چه در مرزهای جغرافیایی متکلمانه اش، نگاهبانی کرده و بر استواری و یکپارچگی آن، روز به روز افزوده است. در ترجمه متنی چنین استوار و برقرار چه باید کرد؟ آیا می‌توان زبانی معمولی را با ویژگیهای گذرا و مرحله‌ای اش در کنار آن متن

استوار پایدار نهاد؟ بویژه در راستای رسیدن به ترجمه ای واحد از قرآن کریم، از هم اکنون باید در راه وصول به نثری وزبانی کوشید که به طور نسبی، درخور شرایط متنی با ویژگیهای قرآن کریم باشد، نثر وزبانی که به آسانی دستخوش تحولات تند و کند زبان در زمان نشود و از ویژگیها و رنگهای مرحله ای زبان، که گذرا و ناپایدار است، برکنار بماند.

این از زمان و تاریخ. اما از نظر جغرافیا، امروز قلمرو زبان ما دیگر محدوده سرزمینی به نام ایران، یا بخشی از افغانستان و جز آن نیست. با ذوب شدن مرزهایی که چندین دهه در میان ما و همزبانان همسایه و هم ریشه مان وجود داشته، بر قلمرو زبان فارسی افزوده شده است. بدین لحاظ نیز بار دیگر گزینش نثر در ترجمه قرآن کریم مطرح است. زیرا هر چه زبان اصیل تر باشد و از رنگ بومی و مرحله ای اش آزادتر، توان زبانی میانه و مشترک را بیشتر دارا خواهد بود. باید زبانی را برگزید که پارسی زبانان هر مرز و بوم، آن را به راستی زبان اصیل خویش بدانند، با هم بخوانند و با هم بفهمند و سرانجام هم در پرتو قرآن کریم و ترجمه پارسی اش رشته های پیوند و خویشاوندی خویش را بیش از پیش استوار و ریشه دار یابند.

در این جا، بهترین سرچشمه یا بهترین سرمایه همان ترجمه های کهن و اصیل قرآن کریم است که فرهنگ زبان دری را سرشار و توانمند ساخته است که با اندک تغییر در برخی شیوه ها و ساختارهای مرحله ای آن و نیز با کمک گرفتن از مایه های بلاغی خود قرآن کریم، می تواند ما را به زبانی مطلوب برساند. مترجم به این نکته ها توجه ویژه ای داشته است.

۲. فصاحت و بلاغت در قرآن کریم: قرآن کریم نه شعراست، نه نثر. کلامی است خدایی و بی همتا که آهنگی زیباتر از شعر دارد و زبانی رساتر از نثر.

شیوه ای است شیوا و هنجاری است برتر در باز نمود راستی و راه که همین خود از وجوه اعجاز آن شمرده می شود. مسلمان پارسی زبان نیز گیرنده این پیام است. پس سهم او از احساس این زیبایی و برخوردار از این شیوایی و گیرایی چه می شود؟ هر چند به نسبت و هر چند اندک. سهم او اکنون این است که حکایت شیوایی قرآن کریم را از عالمان بلاغت می شنود و شیرینی سخن خدا را نه به کام خویش که به کام دیگران می چشد. سخن از انگیزه و دیدگاه تازه ای است در ترجمه قرآن کریم که باید همگی بدان عنایت کنیم و در راه آن بکوشیم که نگارنده نیز به سهم خود که سهمی کوچک است و به عنوان نخستین کس که در باب ترجمه قرآن کریم از این نکته سخن می گوید، بدان دل بسته و گام لرزانی را برداشته است. باری، سخن نه آن است که ترجمه ای در حد فصاحت قرآن مبین اصلاً ممکن است. نه چنین چیزی ممکن است و نه چنین ادعایی معقول. مقصود آن است که در ترجمه متنی

چون قرآن کریم با آن بلاغت اعجاز آمیزش تسلیم هر نثر و شیوه ای نمی توان شد. باید کوشید و از تواناییهای بی کران زبان دری و نیز از آموزشهای عملی خود قرآن کریم، در متن مقدسش یاری جست، تا سرانجام روزی به ترجمه ای چنان استوار و پایاپای رسیم که سایه وار با روند متن سخن خدا پیش رود و به نسبت توان زبان و تیز زبان با قرآن همخوان و هماهنگ و در یک سخن، ترجمه قرآن باشد، که در آن صورت، ناگزیر از شیوایی و بلاغت قرآن نیز بهره ای خواهد داشت و از درخشش اش پر توی خواهد برد.

۳. در مسأله حذفها: مترجم بر آن بوده است تا در حد امکان، حذفهای موجود در بیان

قرآن را که از شیوه های بلاغت است، نه در متن ترجمه که در پاورقی بیاورد، به دو دلیل:

۱. تعدد اقوال مفسران در تعیین کلمه یا عبارت محذوف و احتمال اشتباه در گزینش

راجع.

۲. این که، این شیوه بیان قرآن کریم است که اگر درست با همان سیاق و لحن به پارسی

درآید، در بسیاری جایها می توان، دریافت کلام محذوف را بر عهده خواننده نهاد و در عین حال در پاورقی اشاره ای نمود. حذف، خود از، شیوه سخن گفتن است. تغییر در شیوه بیان

خدا چرا؟

۴. توضیحات تفسیری: اگر به دلیلی، در برخی جایها، توضیحی، اعم از تفسیری

و جزآن، لازم آید، بهتر آن است که توضیح نه در میانه سخن خدا که برون از متن کلام او بیاید، تا از یک سو، ارج ساختار این متن مقدس استوار پاس داشته شود و از سوی نیاز توضیح هم در جای خود بر آورده گردد و عملاً سبب تجزیه عبارتهای وحی و از هم گسیختگی رشته سخن در آیه های شریف نشود. نگارنده در این ترجمه به این اصل پایبندی ویژه ای داشته است.

۵. با الهام گرفتن از ترجمه واژه مقدس «صلوة» به نماز، و «صوم» به روزه، و جزآن، که

از دیرباز در زبان و بیان ما جاری است، کوشش شده است تا حد میسر این روش تعمیم یابد و برخی واژگان به بهانه اصطلاح یا معروف بودن، بی ترجمه نماند و از بار معنایی زمان نزول تهی گردد و با طیفهای معنایی بعدی یا معاینی که بعدها به خود گرفته است، خلط نشود.

۶. نکات فنی عام در ترجمه: نکاتی همچون نقش ارکان و قیود در جمله ها و برابری

ساختاری ترجمه با اصل در این باب، با حفظ روانی و زیبایی و آهنگ، نیز مرز معنایی واژگان در هر دو زبان در پر تو اطلاعات موجود مفردات نویسان و فرهنگها، مسأله حروف ربط و اظهار نقش آنها، نیز حصر و مبالغه که در هر زبانی از جمله در زبان عرب و از آن جا در زبان

قرآن به وفور هست، و مسائل بیسانی و بلاغی دیگر، مراجع ضمیر که خود از لغزشگاههاست، احتیاط در «اظهار» ضمائر که خلاف طبع «ضمیر» است و نیز موارد سوگند و تأکید که مشکل مترجمان از دیر باز است و امور و نکات بزرگ و کوچک دیگر که هر کدام بحث انگیز است و مجال شرح می طلبد، همگی در این ترجمه، بر پایه اصول زبان شناختی و منطقی تطبیقی دوزبان و مسائل تاریخی شان، هم در حدّ وسع و توان و نیز در پرتو داده های ارجمند مفسران در تفسیرهای گوناگون عربی و فارسی و اجتهاد در گزینش سخن برتر، از آغاز و بویژه در ویرایش دوم مورد توجه نگارنده بوده است.

۷. در ویرایش دوم (علاوه بر آن چه گذشت) کوشش شده است تا برخی ناهمواریهای تعبیر، بدون کاست و افزودنهای ناروا بر طرف شود، پاره ای واژگان نامأنوس پارسی چاپ نخست، جای خود را به واژگان آشنا ولی زیباتر دهد، سهوها و لغزشهای ناگزیر چه در ترجمه و چه در مراحل چاپ نخست اصلاح گردد و بر توضیحات بسیار کوتاه ولی روشنگر در پاورقی افزوده شود. و از گردآوری مجدد سخنان گوناگون مفسران، که سبب تشتت فکر خواننده عادی و ایجاد پرسشهای بی پاسخ می گردد، پرهیز شود.

این ویرایش، به یاری خدا در نیمه نخست سال ۷۴، به همت والای انتشارات اسوه که سعی اش مشکور باد منتشر خواهد شد.

در پایان، برای همه مترجمان ارجمند و دانشوری که در راه ترجمه این کتاب عزیز رنجی برده اند و می برند و هر کدام به وجهی از وجوه ترجمه قرآن کریم پرداخته اند، از متقدمان گرفته تا متأخران، و نیز برای مجله ارزشمند «بینات» و گردانندگان دانشورش، که معرفی این تلاشها را در ضمن اهداف بزرگ قرآنی خود، و جهه همت خویش ساخته اند، هم از صاحب قرآن عزیز اجری جزیل و پاداشی در خور و مزید توفیق خواستار است. والسلام